

حوادث۱۹

تلنگر

❏ دروغ‌گروناپی برای سرقت گوشی‌های گرانقیمت

دو پسر جوان برای هیجان با مراجعه به زنان، خود را مبتلا به کرونا معرفی کرده و از آنها سرقت می‌کردند.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم ، اوایل فروردین امسال دختر جوانی با حضور در دادسرای ویژه سرقت تهران شکایت کرد که برای خرید مواد خوراکی و شوینده از خانه‌اش در یکی از محله‌های شمال تهران بیرون رفته بوده که در میان راه دو جوان که سرنشین موتورسیکلت بودند راه را بر او سد کرده و با ادعای اینکه بیماران کرونایی هستند و اگر گوشی تلفن را به آنها ندهند وی را مبتلا می‌کنند، گوشی ۱۹ میلیون تومانی‌اش را ردزدیدند.

پس از این شکایت پرونده قضایی تشکیل و به پلیس آگاهی ارسال شد. در ادامه مأموران با شکایت‌های مشابه زنان و دختران جوان دیگری روبه‌رو شدند.

سرانجام چند روز پیش مأموران هنگام گشت‌زنی در یکی از محله‌های تهران متهمان را شناسایی و آنها را بازداشت کردند.

یکی از متهمان گفت: من و دوستم هر دو در قرنطینه خانگی بوده و از این وضع خسته شده بودیم. به همین خاطر تصمیم گرفتیم برای هیجان دست به سرقت بزنیم. از اطراف تهران به محله‌های شمالی می‌آمدیم و با تهدید دختران و زنان و ادعای ابتلا به کرونا از آنها سرقت می‌کردیم. متهمان بعد از اعتراف به سرقت هایشان تحویل پلیس آگاهی شدند.

❏ قتل همسر به جای کشتن اجنه

مرد همسرکش در تازه‌ترین اعتراف‌اش مدعی می‌کردند بعد از سرقت کیف

به گزارش خبرنگارجنایی جام جم، مهرداد ۴۳ ساله که نگهبان پارکینگ خودرو بود متهم است باامداد هفتم اردیبهشت امسال در خانه‌شان در شهرک احمدیه خانی‌آبادنویاریخت همسرجوانش را با ضربه‌های خنجر به قتل رسانده است. او با دستور مصطفی واحدی، بازپرس دادسرای جنایی تهران بازداشت شد. دیرپور متهم پرورنده برای تحقیقات به شعبه یازدهم بازپرسی دادسرای جنایی تهران منتقل شد و ادعای عجیبی را مطرح کرد و گفت: من و همسر ۱۷ سال قبل ازدواج و بعد از سال‌ها درمان صاحب دختری شدیم که اکنون ۸ ماهه است. به خاطر از بین بردن اجنه مارنما مرتکب قتل زنم شدم. ده روز قبل از قتل، در محل کارم خوابیده بودم که با سردرد بیدار شدم و دیدم اجنه مارنما سر و صورتم را گرفته و در حال خوردن آن هستند. صدای آنها بلند بود و می‌گفتند به ما دستور داده شده تو را بکشیم تا عمر طولانی داشته باشیم. چوبدستی را به‌سختی برداشتم و به آنها زدم که دور شدند. این اتفاق چند بار دیگر هم برایم رخ داد. سحرگاه روز جنایت با سر و صدا از خواب بیدار شدم و دیدم اجنه مارنما سروصورت همسرم راگرفته و به او حمله کرده‌اند.

متهم به قتل ادامه داد: هرکاری کردم زنم را رها نکردند، خنجر را برداشتم و به مارها ضربه زدم. وقتی به خودم آمدم اجنه رفته بودند، اما همسرم غرق در خون بود. لباس‌هایم را عوض کردم و آن را با خنجر خونین در نایلون گذاشته و در بیابان نزدیک خانه‌ام انداختم. بعد به خانه آمده و با سر و صدا همسایه‌ها را خبر کردم.

با توجه به ادعای مرد همسرکش قرار شد با دستور قضایی او برای مشخص شدن سلامت روانی‌اش به پزشکی قانونی معرفی شود.

❏ مرگ حنا در مزرعه

دختر هفت ساله که مورد حمله گاوی در یکی از روستاهای شهرستان ایوان قرارگرفته بود، فوت شد.

سرهنگ سعیدعالی‌پور، فرمانده انتظامی ایوان به سایت پلیس گفت: حنادختر ۷ ساله عصر روزدوشنبه هشتم اردیبهشت امسال هنگام کمک برای انتقال گاو از محل چرا در زمین‌های کشاورزی به خانه، افسار گاو به دور کمزش پیچیده شد و بر اثر رم کردن گاو صدمه دید. گاو، دختر خردسال را تا مسافتی روی سنگلاخ و آسفالت جاده روستا کشاند و باعث مصدومیت او شد. پس از متوقف شدن گاو توسط اهالی روستا و با زدن طباب ازدور کمر دختر خردسال او به درمانگاه شهر زرنه منتقل شد. اما به دلیل شدت مصدومیت به کما رفت که با وجود تلاش پزشکان دیرپو او در بیمارستان فوت شد.



کارتن‌ها با تجهیزات تنفسی خود را به کانون آتش رساندند و دو دختر بچه ۱۰ و هفت ساله را که در میان شعله‌های آتش اسیر شده بودند، به سرعت از میان حریق بیرون آورده و به محلی امن منتقل کردند. در ادامه آتش‌نشانان شعله‌های آتش را مهار کردند.



متهمان در جلسه دادگاه اتهامشان را قبول کردند قتل پیرمرد به سبک «برکینگ بد»

نمی‌دهد. نگفتیم قصدمان سرقت است و از او خواستیم کیف پیرمرد را سرقت کند و به ما دهد. آرش می‌گفت در کیف دستی پیرمرد ۲۰۰ میلیون تومان پول است. موتورسوار کیف را ردزدید و به ما داد اما هیچ پولی در آن نبوده و فقط مدارک مقتول در آن بود.»

متهم در ادامه در مورد روز حادثه گفت: «تصمیم گرفتیم با پیرمرد تماس بگیریم و بگوئیم کیفش را پیدا کردیم‌و اگر مزدگانی بدهد کیف را پس می‌دهیم. با او حوالی خانه‌مان در خیابان پیروزی قرار گذاشتیم و وقتی آمد برای گرفتن چک او را داخل خانه آوردیم. او به ما چک ۳۶ میلیونی داد، اما یکدفعه شروع به فحاشی کرد. برای همین عصبانی شدیم و یک طناب دور گردنش انداختیم که او را بترسانیم، اما دیدیم که دیگر نفس نمی‌کشد. چند بار به صورتش سیلی زدیم اما فایده‌ای نداشت. خیلی ترسیده بودیم و همان موقع یاد سریال برکینگ بد افتادیم و تصمیم گرفتیم بی روشی که در آن فیلم دیده بودیم- یعنی سوزاندن جسد با اسید- جنازه را از بین ببریم. بعد از ریختن اسید هم گفته بودیم. ما معتاد نیستیم و روز انداختیم.»

بعد از حامد نوبت به آرش رسید که از خود دفاع کند که او هم گفت: «اتهام خود را قبول دارم. ما گفته بودیم که شیشه مصرف کرده‌ایم. می‌خواستیم وانمود کنیم توهم زده بودیم که در مجازاتمان تخفیف داده شود، اما دروغ گفته بودیم. ما معتاد نیستیم و روز حادثه هم هیچ موادمخدری در کار نبود.»

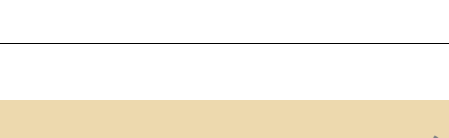
قضات بعد از شنیدن دفاعیات متهمان و وکلای آنها، برای صدور رأی وارد شور شدند.

سناریوی ناکام برای قتل استاد دانشگاه

سناریوی دزدان برای قتل استاد زن دانشگاه با تیزهوشی طعمه شان ناکام ماند. به گزارش خبرنگار جام جم،هفتم اردیبهشت امسال رسیدگی به درگیری دو مرد و یک زن در کوی بیمه اکباتان تهران در دستور کار پلیس گرفت. مأموران بعد از حضور در محل بازن جوانی رو به رو شدند که مضطرب و آشفته بود.اما دو مرد جوانی که با او درگیر بودند با رسیدن مأموران پا به فرار گذاشتند. زن جوان به مأموران گفت: «آن دو مرد به خانه‌ام در محله نارمک آمدند و مرا بیهوش کردند.وقتی به هوش آمدم اینجا بودم.» در حالی که مأموران پلیس آمده بودند روز حادثه به پهانه تعمیر سارق بوده و قصد کشتن زن جوان را که استاد دانشگاه است داشته‌اند، اقدام به شناسایی و دستگیری دو متهم اقدام کردند . این درحالی بود که مقداری اموال سرقتی از استاد دانشگاه پس از دستگیری متهمان از خانه آنها کشف شد. سرهنگ کیومرث حسونند، سرکلانتر پنجم پلیس پیشگیری در توضیح ماجرا گفت: یکی از سارقان از ۱۴ سال قبل به عنوان تکبیسین فنی به خانه زن جوان می‌رفته و چند بار زمانی که استاد جوان سفر بوده، وسایل کوچک خانه را سرقت کرده بود. سارقان پس از دستگیری مدعی شده بودند روز حادثه به پهانه تعمیر سیستم گرمایشی وارد ساختمان شده و بعد از قطع کردن برق، زن جوان را مجروح و به سرقت از خانه او دست می‌زنند. چون زن جوان قصد داشته از همسایه‌ها کمک بگیرد، سارقان او را بیهوش کرده بودند. سارقان بعد از بیهوش کردن زن جوان و سرقت اموال او قصد داشتند وی را در بیابان‌های حاشیه شهر رها کنند تا با مرگ او شناسایی نشوند. اما به هوش آمدن زن جوان در میان راه و کمک خواستن او از مردم، باعث به دام افتادن سارقان شد.

از کارتن‌های دیو شده در حیاط خانه شروع شده و به سرعت در حال سرایت به قسمت‌های دیگر خانه بود.

در همان حال همسایه‌ها اعلام کرده بودند دو کودک خردسال در خانه هستند. امدادگران پس از قطع برق و گاز، با توجه به وجود دود غلیظ ناشی از سوختن



آن‌قدر سریع رخ داد که راننده نتوانست هیچ حرکتی انجام دهد و ابتدا صدای کشیده شدن لاستیک خودروها و بعد برخورد شدید تریلر و اتوبوس، سکوت منطقه را شکست. رانندگانی که در صف پمپ بنزین بودند و کارکنان آنجا سریع خود را به محل تصادف رساندند. بر اثر شدت تصادف تعدادی از مسافران به بیرون اتوبوس پرت شده بودند.

چند نفر با اورژانس و هلال احمر تماس گرفته و درخواست کمک کردند و دقایقی بعد آمبولانس‌ها آژیرکشان در مقابل اتوبوس و تریلر به صف شدند. با معاینه مسافران مشخص شد ده نفر از سرنشینان اتوبوس و راننده آن جان باخته‌اند. همچنین راننده تریلر هم جان خود را از دست داده بود. منصور خسروی، مسؤول تیم پایگاه بین جاده‌ای درح اولین امدادگری بود که در محل تصادف حاضر شد. پایگاه‌شان در شش کیلومتری محل تصادف قرار داشت و چهار دقیقه بعد به آنجا رسیده بود. او می‌گوید: اتوبوس از لانو به سمت بیرجند حرکت می‌کرد. تریلر هم بار پیاز داشت و به سمت مرز ایران با افغانستان در حرکت بود. اتوبوس بعد از تصادف واژگون شده بود و روی سقف قرار داشت. جسد چند نفر از مسافران در اطراف اتوبوس افتاده بود.

مرد فداکار هنگام نجات زن جوان از دام ۲ مجرم خطرناک به قتل رسید

قربانی غیرت



بیمارستان کوثر آستانه اشرقیه بردیم. آنجا تشنج کرد که برایش اینتوبه گذاشتند. با توجه به حال همسرم، پزشکان گفتند باید او را به بیمارستان پورسینای رشت ببریم تا از او سی‌تی‌اسکن گرفته شود. تا ساعت ۷ شب آنجا بود و بعد به توصیه دخترم او را با آمبولانس خصوصی به بیمارستان میلاد لاهیجان که آنجا کار می‌کرد، بردیم. دو شب در آنجا بستری بود و بعد سه‌شنبه هفته پیش هم فوت شد.»

❏ دستگیری قاتلان

همسر مرحوم حسین پور با این‌که مراسم هفت عزای همسرش را برگزار می‌کند، در مورد دستگیری قاتل می‌گوید: «پس از وقوع حادثه، ما مأموران تمام دوربین‌های مدار بسته محل جنایت را بررسی کردند و متوجه شدند آن موتورسواران هفت دور آن منطقه را گشت زده بودند تا بتوانند طعمه مناسب را پیدا کنند. قاتلان بعد از دستگیری به محل درگیری منتقل شدند تا صحنه را بازسازی کنند. یکی از آنها می‌گفت با آرنج ضربه‌ای به پشت گردن همسرم و با قمه نیز ضربه دیگری به قسمت کمی بالاتر از پیشانی و سمت چپ چشمش زده‌اند. متأسفانه ضربه‌ای که به پشت گردنش زده بودند، بسیار کاری بوده و همان باعث شده تا جانش را از دست بدهد.»

او دل پردردی هم از خانمی دارد که مرحوم حسین‌پور جانش را نجات داد: «همسر جان آن زن را نجات داد، اما حتی یک بار هم نیامد در مورد آن با ما صحبت یا حتی دلجویی کند. حتی نیامد پیرسد ببیند کسی که نجانش داده، هنوز زنده است یا مرده. در مورد آن سارقان هم من نمی‌دانم آنها چطور تربیت شده‌اند و امیدوارم داد‌شان به دل مادرشان بماند. آنها نباید فقط اعدام شوند، بلکه باید مانند همسرم زجر بکشند.»

سکوت می‌کند و با صدای دردمندی ادامه می‌دهد: «همیشه دلش می‌خواست همین‌طور بمیرد؛ آن هم با کمک کردن به مردم که خوشحالم به آرزویش رسید.»

قدیمی در پایان می‌گوید: «آن‌طور که من از آگاهی اطلاع پیدا کرده‌ام، این دو نفر سابقه ۱۶ فقره سرقت دارند. قبل از ارتکاب قتل هم، چهار مورد خفت‌گیری داشته‌اند. آیا نباید فکری به حال تامین امنیت جامعه کرد؟»

❏ به این هم‌شهری می‌بالم

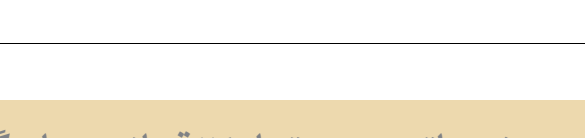
نرجس محمد دوست، عضو شورای اسلامی شهر آستانه اشرقیه در خصوص این حادثه می‌گوید: «چون در این حادثه ناگوار، موضوع دفاع از زن مطرح بوده است بسیار به وجود این هم‌شهری فداکار و غیرتمند می‌بالم که به خاطر یک زن جان‌شان را به خطر انداختند و امیدوارم عنوان شهید امر به معروف نیز به ایشان اختصاص پیدا کند. بهتر است مجرمان خطرناک بعد از آزادی از زندان بیشتر زیر نظر باشند و در آزاد کردن آنها بیشتر دقت شود. البته من به عنوان عضو شورای شهر در رابطه با آزادی زندانیان نمی‌توانم اظهار نظر کارشناسی کنم. اما همیشه تلاش می‌کنیم بحث امنیت شهروندان مورد توجه باشد.»

نجات جان ۲ کودک از شعله‌های آتش

امدادگران آتش نشانی شیراز جان دو کودک گرفتار در حریق را نجات دادند.

به گزارش مهر، بعد از ظهر روز دوشنبه اطفای حریق خانه‌ای در خیابان زند شیراز در دستور کار نیروهای آتش‌نشانی قرار گرفت.

علیرضا عدلو، سخنگوی آتش‌نشانی شیراز در این مورد گفت: شعله‌های آتش



برخورد اتوبوس و تریلر ۱۳ قربانی برجای گذاشت

شاخ به شاخ

❏ انحراف به چپ تریلر حامل بار پیاز و برخورد با اتوبوس در جاده سربیشه، ۱۳ کشته و هفت مصدوم برجای گذاشت. کشته‌شدگان، اهالی روستای لانو بودند که به بیرجند می‌رفتند. به گزارش خبرنگار جام جم، اتوبوس بنز قدیمی مثل هر روز صبح در میدان روستا توقف کرد تا مسافران شهر را سوار کند. هر روز کار راننده این بود که با سوار کردن اهالی از روستاهای اطراف، به شهر سربیشه و بعد بیرجند حرکت کند و غروب دوباره اهالی را خسته از کار روزانه از شهر به روستای لانو بازگرداند.

بعضی از مسافران وقتی روی صندلی جا خوش کردند، چشمان‌شان را بستند تا خواب خود را کامل کنند. راننده با سوار کردن ۱۸ مسافر پیچ و خم جاده را پیش گرفت و به راه افتاد. عقربه‌های ساعت روی ۶ و ۴۵ دقیقه که رسید، تلخ‌ترین حادثه برای اهالی روستای لانو رقم خورد. مقابل پمپ‌بنزین درح ناگهان تریلری که بار پیاز داشت از مسیر اصلی خود منحرف و مقابل اتوبوس سبز شد. این اتفاق می‌شود.

ساعت ۹ صبح بود که یوسف حسین پور به سمت مغازه‌اش حرکت کرد. به دلیل شیوع کرونا، هنوز بسیاری از مردم به کوچه و خیابان نیامده بودند و بعضی از کسبه هم کرکره‌ها را بالا کشیده بودند. در حالی‌که خیلی‌ها به فکر به دست آوردن رزق حلال روزانه‌شان بودند، اما برخی دیگر افکار شیطانی در سر می‌پروراندند. مرحوم حسین پور، هنوز به مغازه‌اش نرسیده بود و خلوتی خیابان باعث شد تا با هوش و حواس جمع‌تری به اطرافش نگاه کند. همین‌طور که اطرافش را تماشا می‌کرد، متوجه موتوری شد که دو سرنشین داشت و بی‌هدف دائم در خیابان گشت می‌زد. با دیدن سر و روی پوشیده شده و نقاب زده دو سرنشین به این نتیجه رسید که قصد و نیت پلیدی در سر دارند. چشم که گرداند، زنی را دید که کیف به دست در حال عبور از خیابان بود. روی حرکات مشکوک دو سرنشین موتورسوار که دقیق شد، متوجه شد زن جوان طعمه اصلی آنها هستند.

❏ قتل با یک ضربه کاری

مرحوم حسین پور به هیچ چیز فکر نمی‌کرد، جز این‌که جلوی یک سرقت را بگیرد. وقتی موتورسواران به چند قدمی زن جوان رسیدند، بنای فریاد زدن را گذاشت و با صدای بلندی گفت: درزد، درزد، خانم مراقب کیفتان باشید.

حسن قدیمی، دایی همسر مرحوم حسین پور که شاهد حادثه بود، می‌گوید: «من از دور شاهد این ماجرا بودم و زمانی به محل حادثه رسیدم که زن عابر ۲۰ متر جلوتر از ما بود. مرحوم یوسف که متوجه نیت آن دو شده بود، سعی کرد به آن خانم هشدار دهد. بعد از این‌که موتورسواران متوجه فریادهای یوسف می‌شوند، با قمه به سمت او حمله ور می‌شوند و زخمی‌اش می‌کنند. وقتی به یوسف رسیدم که موتورسواران ۲۰ متر از ما دور شده بودند. به یوسف گفتم ترس بلند شو آنها رفتند. از او در مورد ماجرا پرسیدم که گفت می‌خواستند از آن خانم سرقت کنند، اما با فریادهایم به سمت من برگشتند و با قمه من را زدند.»

او ادامه می‌دهد: «با آن خانم هم صحبت کردم که به‌شدت ترسیده بود. به من گفت احساس کردم آنها دزد هستند و می‌خواهند کیفم را بزنند. من داشتم از خانه به بازار می‌رفتم و ۸۰۰،۰۰۰ هزار تومان پول در کیفم داشتم. آن موتوری‌ها با من درگیر نشدند، اما به‌جای من با آن بنده خدا یعنی مرحوم یوسف درگیر شدند. اگر با آن مرد درگیر نمی‌شدند، شاید آن بلایی که سرا او آوردند، سر من می‌آمد. مرحوم یوسف را به خانه بردم که دوش گرفت و ظاهراً هم حال عمومی‌اش خوب بود، اما مدتی بعد که تماس گرفتم، متوجه شدم به کما رفته است.»

فرزانه فرهادی، همسر مرحوم حسین پور در ادامه توضیح می‌دهد: «موتورسواران با تصور این‌که شوهرم زخمی شده و ممکن است فوت شود، از محل جنایت فرار کرده بودند. همسرم وقتی به خانه آمد، خون آلود بود، طوری که پله‌ها خونین شده بود. به او گفتم به بیمارستان برویم، اما قبول نکرد و گفت حالم خوب است و فقط بگو خترم بیاید. دخترم پرستار است و وقتی آمد، به پدرش سرم وصل کرد. فشارش به دلیل خونریزی به ۸ رسیده بود. وقتی می‌خواست سرم دوم را وصل کند، بیهوش شد. او را ابتدا به